

نامه ای به تمام ایرانیان عزیز در هر کجایی از این کره خاکی

غلامرضا صولت زاده

چند وقتی است که صحبت های زیادی پیرامون برگزاری یک فراندوم برای تشکیل یک حکومت دموکراسی در ایران وجود دارد و گروهی از دوستان مشغول جمع کردن امضاء هستند. از اینرو فکر کردم شاید بنده هم به عنوان یک ایرانی بتوانم نظر خود را درباره این فراندوم اعلام کنم تا شاید با این کار بتوانم مانع از آن شوم که کلاهی دیگر بر سرمان برود.

اینکه این حرکت در راه برقراری دموکراسی و آزادی در کشورمان است حرفی نیست اما فراموش نکنیم که برای برگزاری چنین فراندومی به شرایط خاصی نیاز است که به نظر بنده این شرایط در حال حاضر در کشورمان حاکم نیست.

فرض کنیم که با جمع کردن امضاء موفق شویم که مسئولیتهائی را هم برای برگزاری فراندوم در ایران برپا کنیم، در توجه اول چه کسی می خواهد ناظر برگزاری این فراندوم باشد. اگر امیدمان به جوامع اروپایی و آمریکا و یا اصطلاحاً سازمان ملل است که هر چه می کشیم زیر سر آقایان است. اگر هم خیال می کنیم که با وجود حضرات در ایران امکان برگزاری این فراندوم وجود دارد، که خوب از حالا می دانیم که هر چه هم در صندوقها بیاندازیم باز هم رأی به نفع اسلام است. مگر انتخابات مجلس هفتم را فراموش کرده ایم. با وجود اینکه از سوی مردم و گروه های اپوزیسیون تحریم شده بود. با وجود این جمهوری اسلامی ادعا کرد که حدود ۵۰٪ از واجدین شرایط در انتخابات شرکت کردند.

در شرایطی که رأی مردم را با موتور سیکلت و یخچال و فریزر می خرن، شناسنامه بی هویت صادر می کنند، فکر می کنید برگزاری یک فراندوم آزاد در ایران وجود دارد؟

از طرفی چرا حالا که کم کم به انتخابات ریاست جمهوری در ایران نزدیک می شویم و آقایان فهمیده اند که دیگر این بار خاتمی دیگری وجود ندارد که با دروغهای رنگارنگ و صحبت های بی پایه و اساس مردم را به سر صندوق های رأی بکشاند، به یکباره صحبت برگزاری فراندوم پیش کشیده می شود. جدیداً هم شنیده ام قرار است این فراندوم همزمان با انتخابات ریاست جمهوری برگزار شود!

هموطنان گرامی فراموش نکنیم که حدود ۸ سال پیش هم در اوایل فصل بهار بود که به یکباره آقای خاتمی، منجی وقت ملت ایران ظاهر شد. همان سال ایشان با حدود ۲۱ میلیون رأی به مقام ریاست جمهوری رسید. آیا بجز این که در جوامع بین المللی به نظام جمهوری اسلامی رسمیت بیشتری دادیم کار دیگری هم کردیم؟ آیا با این کارمان عمر این نظام را بیشتر نکردیم؟

چند وقت پیش جلسه ای در این رابطه داشتیم و صحبت به آنجا کشیده شد که با برگزاری این فراندوم، فقط مشروعیت نظام در جوامع بین المللی بیشتر خواهد شد و آقایان اروپایی هم که فقط منتظر چنین فرصتهایی هستند تا به بهانه اینکه این رژیم توسط مردم انتخاب شده و هیچ نقض حقوق بشری هم در آن وجود ندارد و این قانونی است که خود مردم انتخاب کرده اند به روابط تجاری با ایران بپردازند و نفت و گاز کشورمان را به تاراج ببرند.

در این میان، یکی از دوستان گفت خوب، به فرض هم که چنین باشد و با این کار فقط مشروعیت نظام بیشتر شود اینها که در هر صورت بر بقیه در ص ۶

بقیه از ص ۴

چشم انداز اقتصاد آمریکا و ..

کشف می شوند دارای ظرفیت کمتر و هزینه تولید بیشتری باشند. طی ۲۰ سال گذشته اهمیت استراتژیک خاورمیانه در تأمین نفت مورد نیاز جهان به میزان چشمگیری افزایش یافته است. در سال ۱۹۸۰ نزدیک به ۶۰٪ ذخائر یافت شده نفتی جهان در خاورمیانه قرار داشت. اکنون این نسبت به رقمی نزدیک به ۸۰٪ افزایش یافته است. با توجه به اینکه بخش عمده این ذخائر در کشورهای متمرکز است که دارای مشکلات اقتصادی و سیاسی متعددی می باشند، این نگرانی وجود دارد که سرمایه گذاری در صنعت نفت به میزانی که پاسخگوی نیازمندیهای اقتصاد جهانی باشد صورت نگیرد. همانطور که در بالا گفته شد، ۱۵ دلار افزایش در قیمت نفت موجب خواهد شد تا سطح تولید ناخالص ملی آمریکا به میزان ۰.۵٪ در سال کاهش یابد (میانگین نرخ رشد اقتصادی از ۳٪ به ۲.۵٪ در سال، یعنی برابر ۱۵٪ تنزل کند). تأثیر این پدیده بر روی نرخ تورم و نسبت کسری تراز پرداخت های خارجی به تولید ناخالص ملی به ترتیب ۰.۵٪ و ۱.۵٪ خواهد بود (برای مثال، نرخ تورم از ۲٪ به ۲.۵٪ و کسری تراز پرداخت ها از ۵٪ افزایش خواهد یافت). با توجه به بالا بودن کسری بودجه دولت و کسری تراز پرداخت های خارجی آمریکا، افزایش چشمگیر قیمت نفت همراه با افزایش کسری بودجه و کسری تراز پرداخت ها می تواند نرخ رشد اقتصادی آمریکا را از ۳٪ در سال به ۱٪ در سال کاهش دهد. در شرایط نامساعدتر تشدید بحران خاورمیانه می تواند اقتصاد آمریکا و به تبع آن، اقتصاد جهانی را وارد یک دوره رکود شدید و نسبتاً طولانی سازد.

بحران خاورمیانه

کسری تراز پرداخت های خارجی آمریکا، کسری بودجه دولت مرکزی آن و افزایش قیمت نفت ریسک های عمده ای می باشند که چشم انداز اقتصاد آمریکا و به تبع آن اقتصاد جهان را تهدید می کنند. قابل پیش بینی است که طی چند سال آینده دولت آمریکا هم خود را متوجه کنترل و کاهش این ریسک ها نماید. بحران خاورمیانه، به ویژه شرایط عراق یکی از عوامل پایه ای این ریسک ها می باشد. به منظور کنترل و کاهش این ریسک پایه ای، آمریکا با سه گزینش اصلی روبرو است:

- خروج فوری و بدون شرط از عراق، بمنظور کاهش کسری بودجه (از مسیر کاهش بودجه نظامی)

- تعمیق بحران، به ویژه گسترش آن به ایران، به منظور درهم شکستن مقاومت نیروهای منطقه، یکسره کردن کار و دستیابی به یک راه حل پایه ای برای کل منطقه

- همکاری با کشورهای منطقه و اتحادیه اروپا جهت تنش زدایی منطقه و یافتن یک راه کار مورد پذیرش کلیه نیروهای ذینفع

با توجه به نگرانی آمریکا از گسترش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در عراق و خطر روی کار آمدن مسلمانان بنیادگرای طرفدار ایران، گزینش نخست انتخاب برتر آمریکا نخواهد بود. این راه کار احتمالاً با مخالفت اتحادیه اروپا و برخی از کشورهای منطقه نیز مواجه خواهد شد، زیرا خروج فوری آمریکا و متحدان آن از عراق بدون ایجاد شرایطی که بتواند خلاء حاصله را پر کند می تواند به هرج و مرج بیشتر در عراق، گسترش دامنه ناآرامی به سایر کشورهای منطقه و تعمیق بحران بازار نفت بیانجامد.

تجربه جنگ عراق با صراحتی انکارناپذیر مبین بیهودگی و زیانباری راه حل های نظامی برای حل بحران خاورمیانه است. با این وجود، در صورت نیافتن راه کاری مناسب برای خروج از بن بست بحران عراق، فشار حاصل از تعمیق بحران اقتصادی می تواند چنان شدید باشد که آمریکا را به سوی گزینش دوم، یعنی تعمیق بحران و گسترش آن به ایران، به منظور در هم شکستن مقاومت نیروهای منطقه و یکسره کردن کار، سوق دهد. این گزینش احتمالاً برنده ای نخواهد داشت و به احتمال قوی بیشترین زیان آن متوجه کشورهای منطقه به ویژه ایران خواهد شد. لذا، ایجاد شرایط مناسب برای پرهیز از این گزینش می بایست در صدور اولویت جامعه جهانی و کشورهای منطقه، به ویژه ایران و عراق قرار گیرد.

مطلوب ترین راه کار برای خروج از بن بست بحران کنونی در گزینش سوم است. اما پیشبرد موفقیت آمیز این راه کار، علاوه بر عملکرد خردمندانه از سوی آمریکا، مستلزم عزم راسخ و همکاری جامعه جهانی، سازمان ملل، اتحادیه اروپا

کلیه کشورهای ذینفع از جمله روسیه، چین و مهمتر از همه ایران و نیروهای سیاسی عراق می باشد. انتخابات عراق که در پایان ماه ژانویه انجام می گیرد نقشی سرنوشت ساز در این گزینش ایفا می کند. *